

اصول آیین دادرسی کیفری ایران

تألیف

دکتر عباس زراعتی

استاد گروه حقوق دانشگاه کاشان

وکیل پایه یک دادگستری



مجمع علمی و فرهنگی مجد

زراعت، عباس
اصول آیین دادرسی کیفری / نوشته عباس زراعت. — تهران: مجد،
۱۳۸۲

ISBN: 978-622-225-739-2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه.

۱. دادرسی کیفری. الف. ایران. قوانین و احکام. ب. عنوان.
ش ۴/م ۳۵/۶/۱۹۵ BP
کتابخانه ملی ایران
محل نگهداری:
۲۹۷/۳۷۵
م ۸۲-۲۱۵۲۲

هرگونه تکثیر کامل یا قسمتی از کتاب بدون اجازه پدیدآورنده، خلاف قانون، شرع و اخلاق است.
موارد تخلف را به دفتر مرکزی مجد گزارش فرمایید.

اصول آیین دادرسی کیفری ایران

مؤلف: دکتر عباس زراعت

انتشارات مجد

چاپ اول: ۱۴۰۱

حق چاپ محفوظ و منحصر به «مجد» است.

دفتر مرکزی:

تهران، خیابان منیری جاوید، تقاطع شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۷

تلفن و دورنگار: ۶۶۴۹۵۰۳۴-۶۶۴۱۲۰۷۸-۶۶۴۳۳۸۶

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۵-۷۳۹-۲
ISBN: 978-622-225-739-2

فروشگاه مرکزی:

خیابان اردیبهشت (منیری جاوید)، تقاطع شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۹ تلفن: ۶۶۴۰۹۴۲۲-۶۶۴۸۶۸۷۴

فروش اینترنتی آثار حقوقی:

www.majdpub.ir

E-mail: info@majdpub.ir

صفحه رسمی انتشارات مجد در اینستاگرام: [majdlaw](https://www.instagram.com/majdlaw)

کانال رسمی انتشارات مجد در تلگرام: [@majdlaw](https://www.t.me/majdlaw)

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۲	فصل اول: کلیات
۱۳	«اصل برائت»
۱۷	«اصل دودرجه‌ای بودن دادرسی»
۲۲	«اصل کتبی بودن دادرسی»
۲۳	«اصل مراجعه به آیین دادرسی مدنی در موارد مسکوت»
۳۲	«اصل ممنوعیت تشکیل دادگاههای اختصاصی»
۳۷	«اصل مستند و مستدل بودن آرای دادگاهها»
۴۰	«اصل آزادی تحصیل دلیل»
۴۵	«اصل تحصیل دلیل به وسایل قانونی»
۴۸	«اصل اقناع وجدان قاضی»
۵۱	«اصل لزوم رسیدگی به دلایل در دادگاه»
۵۶	«اصل عطف به ماسبق شدن مقررات آیین دادرسی کیفری»
۶۰	«اصل لزوم توجه به شخصیت و حالت خطرناک متهم»
۶۲	«اصل تفکیک مرحله تحقیقات مقدماتی از مرحله دادرسی»
۷۰	«اصل حق دادخواهی و بهره‌مندی از محاکمه عادلانه»
۷۳	«اصل حق داشتن وکیل»
۸۰	«اصل تساوی مردم در برابر قانون»
۸۴	«اصل استقلال قاضی»
۹۰	«اصل بی‌طرفی قاضی»
۹۲	«اصل لزوم اجتهاد قاضی»
۹۶	«اصل لزوم دادرسی ویژه برای رسیدگی به جرایم اطفال»
۱۰۹	«اصل قاضی دعوا قاضی ایراد هم هست»
۱۱۲	«اصل عمومی بودن جرم»

- ۱۱۸..... «اصل استثنائی بودن دعوای خصوصی»
- ۱۲۳..... «اصل تبعیت دعوای خصوصی از دعوای عمومی»
- ۱۲۹..... «اصل عدم امکان سازش دعوای عمومی»
- ۱۳۲..... «اصل قانونی بودن»

فصل دوم: صلاحیت..... ۱۳۴

- ۱۳۵..... «اصل صلاحیت عام دادگاههای عمومی»
- ۱۳۸..... «اصل صلاحیت دادگاه مستقر در محل وقوع جرم»
- ۱۴۲..... «اصل تبعیت دادسرا از دادگاه در صلاحیت محلی»
- ۱۴۶..... «اصل عدم اعتبار تصمیم مراجع غیر صالح»
- ۱۴۹..... «اصل صلاحیت درون مرزی»
- ۱۵۳..... «اصل ممنوعیت رسیدگی دادرس مردود»

فصل سوم: تعقیب و تحقیق..... ۱۵۶

- ۱۵۷..... «اصل لزوم پذیرش شکایت»
- ۱۶۰..... «اصل سری بودن تحقیقات مقدماتی»
- ۱۶۴..... «اصل غیر علنی بودن تحقیقات مقدماتی»
- ۱۶۸..... «اصل تسریع در تحقیقات مقدماتی»
- ۱۷۰..... «اصل غیر ترافیعی بودن تحقیقات مقدماتی»
- ۱۷۲..... «اصل استقلال مقام تعقیب از مقام تحقیق»
- ۱۷۶..... «اصل آزادی انتخاب شیوه تحقیقات مقدماتی»
- ۱۷۸..... «اصل قانونی بودن تعقیب»
- ۱۸۱..... «اصل موقعیت داشتن تعقیب»
- ۱۸۵..... «اصل اعتبار امر مختومه»
- ۱۹۱..... «اصل تأثیر مرور زمان در دعوا»
- ۱۹۶..... «اصل احضار مقدم بر جلب»
- ۱۹۹..... «اصل لزوم احضار متهم پس از جمع آوری ادله»
- ۲۰۲..... «اصل عدم لزوم تعیین متهم»

۲۰۳	«اصل لزوم اخذ تأمین از متهم»
۲۰۶	«اصل انحصاری بودن قرارهای تأمین کیفری»
۲۲۲	«اصل ممنوعیت متوقف شدن تعقیب دعوای عمومی»
۲۲۴	«اصل مصونیت منزل مسکونی»
۲۲۶	«اصل ممنوعیت شنودهای تلفنی»
۲۲۸	«اصل محدودیت ضابطان دادگستری»
۲۳۳	«اصل محدودیت اختیارات ضابطان دادگستری»
۲۳۷	«اصل لزوم تفهیم اتهام»

فصل چهارم: دادرسی ۲۳۹

۲۴۰	«اصل ممنوعیت تأخیر در صدور رأی یا اصل تسریع در صدور رأی»
۲۴۳	«اصل ممنوعیت دادرسی غیابی در جرائم حق الهی»
۲۴۸	«اصل علنی بودن محاکمات»
۲۵۰	«اصل لزوم تعیین وقت برای دادرسی»
۲۵۳	«اصل وحدت قاضی در مرحله بدوی»
۲۵۸	«اصل لزوم گرفتن آخرین دفاع متهم»
۲۶۰	«اصل لزوم تبعیت دادگاه تالی از دادگاه عالی»
۲۶۲	«اصل لزوم صدور رأی»
۲۶۵	«اصل احراز عنوان مجرمانه توسط مقام قضائی»

فصل پنجم: تجدیدنظرخواهی و اعاده دادرسی ۲۶۸

۲۶۹	«اصل تأثیر دعوای عمومی و خصوصی بر یکدیگر از نظر تجدیدنظرخواهی»
۲۷۲	«اصل ممنوعیت دخالت دادگاه بدوی در رأی دادگاه عالی»
۲۷۴	«اصل ممنوعیت تشدید مجازات بدوی یا اصل منع
۲۷۴	اصلاح به ضرر پژوهشخواه»
۲۷۸	«اصل ممنوعیت دادگاه تجدیدنظر از رسیدگی به آنچه
۲۷۸	که مورد اعتراض نیست»
۲۸۱	«اصل اثر تعلیقی تجدیدنظرخواهی»
۲۸۴	«اصل اختیار محکوم علیه غایب در وادخواست تجدیدنظرخواهی»
۲۸۶	«اصل وحدت نحوه رسیدگی در دادگاه تالی و عالی»

مقدمه

نخستین مقررات مدون در مورد دادرسی در ایران، دستورالعمل سی ماده‌ای دیوانخانه‌های عدلیه است که در روزنامه وقایع اتفاقیه مورخ یازدهم ربیع‌الثانی ۱۲۷۵ هجری قمری چاپ شده است. قانون عدلیه اعظم و تأسیس عدالت‌خانه‌های ایران مشتمل بر ۱۱۹ ماده که در سال ۱۲۸۸ ه.ق. از سوی میرزا حسین خان سپهسالار تهیه شد، کامل‌ترین قانونی بود که قبل از مشروطیت به رشته تدوین درآمد. کتابچه قانونی کنت که در سال ۱۲۹۶ ه.ق. به وسیله کنت دومونت فورت ایتالیائی و به دستور ناصرالدین شاه طی ۵۸ ماده تدوین شد قانون دیگری بود که مقررات جزایی ماهوی را بیان می‌کرد. پس از اینکه نظام مشروطه سلطنتی در ایران تشکیل شد و مجلس شورای ملی به وجود آمد قانون اصول محاکمات جزائی با فراز و نشیب‌های زیادی در سال ۱۳۳۰ ه.ق. به تصویب رسید و در سال ۱۳۱۸، به پیشنهاد فرهنگستان ایران به «قانون آیین دادرسی کیفری» تغییر نام داد. از آن سال به بعد تغییرات زیادی در این قانون داده شد مانند قانون تشکیل محاکم جنایی مشتمل بر ۴۳ ماده، مصوب ۱۳۳۷ و قانون محاکمه غیابی، مصوب ۱۳۳۹. قانون تشکیل دادگاههای اطفال بزهکار، مصوب ۱۳۳۸ و قانون خانه‌های انصاف، مصوب ۱۳۴۰ و قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری، مصوب ۱۳۵۶. پس از پیروزی انقلاب اسلامی زمزمه تطبیق قوانین موضوعه و از جمله قانون آیین دادرسی کیفری با موازین شرعی آغاز شد و قوانین متعددی در این راستا به تصویب رسید مانند قانون تشکیل دادگاههای عمومی، مصوب ۱۳۵۸/۶/۲۰، قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۶۱/۶/۶، قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها، مصوب ۱۳۶۷ و ۱۳۷۲، قانون تشکیل دادگاههای کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور، مصوب ۱۳۶۸، قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ (با اصلاحات سال ۱۳۸۱). قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب، در امور کیفری، مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ که برای مدت سه سال به صورت آزمایشی به تصویب کمیسیون امور قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسیده و مجدداً تمدید گردید. به موجب ماده ۳۰۸ این قانون، دادگاههای عمومی و انقلاب موظف شدند بر اساس قانون جدید عمل کرده و قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۲۹۰ و اصلاحات بعدی آن و کلیه قوانین و مقررات مغایر، لغو گردید. مهمترین اقدام این قانون حذف دادرهای عمومی و انقلاب از سازمان قضایی ایران بود که با هدف کوتاه کردن زمان

۸ اصول آیین دادرسی کیفری ایران

دادرسی و امکان مراجعه مستقیم مردم به دادگاه صورت گرفت اما هنوز چند سالی از عمر این قانون نگذشته بود که زمزمه عدم کارآمدی آن از سوی قوه مقننه و قضائیه آغاز گردیده و حقوق دانان هم عموماً از همان ابتدا مخالف آن بودند. بر همین اساس لایحه اصلاح پاره‌ای از مواد قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در سال ۱۳۸۱ به تصویب رسیده و مجدداً دادرسی را احیا نمود و این در حالی بود که قانون آیین دادرسی کیفری هم در حال اصلاح و تغییر بوده و مناسب بود که قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و قانون آیین دادرسی کیفری با هم اصلاح می‌شدند به خصوص که قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب نقایص زیادی داشت و نحوه رسیدگی دادرسی را به صورت کامل بیان نکرده بود و قانون آیین دادرسی کیفری هم مقرراتی در این زمینه نداشت.

آخرین اصلاحات در مقررات دادرسی کیفری ایران، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۲ می‌باشد که آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی نیز در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۸ به آن الحاق گردید. این قانون از تاریخ ۱۳۹۴/۴/۱ لازم‌الاجرا گردید اما قبل از اجرا در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۴ مورد اصلاح قرار گرفت. این قانون دارای ۶۹۹ ماده می‌باشد و ماده ۶۹۸ به قوانین ناسخ و منسوخ اشاره دارد: «از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، ماده واحده قانون راجع به تجویز دادرسی غیابی و امور جنایی مصوب ۳۳۹۷/۳/۲، قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۳۶۴۶/۲/۲۲ به جز مواد (۴)، (۸) و (۹) آن قانون، قانون تشکیل دادگاههای کیفری (یک و دو) و شعب دیوان عدالت کشور مصوب ۳۶۸۱/۴/۲۰، قانون تجدیدنظر آرای دادگاهها مصوب ۳۷۲/۵/۱۶، مواد (۷۵۶) الی (۷۷۹) الحاقی مورخ ۳۸۸/۳/۵ به قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) و ماده (۵۶۹) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۳۹۲/۱۲/۴ و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها ملغی است.»

دادرسی جرایم اشخاص حقوقی (بخش یازدهم) و جرایم رایانه‌ای (بخش نهم) و نیروهای مسلح (بخش هشتم) و جرایم اطفال و تفکیک دادرسی جرایم جنایی و جنحه‌ای و توجه به حقوق دفاعی متهم و عدالت ترمیمی، مهم‌ترین اقدامات جدید قانون‌گذار است که در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ آمده است.

تغییراتی که در مقررات دادرسی کیفری رخ داده به مراتب بیشتر از تغییراتی است که در مقررات آیین دادرسی مدنی به وجود آمده است و حتی بسیاری از قواعدی که پس از پیروزی انقلاب به عنوان قواعد شرعی حاکمیت پیدا کرد پس از مدتی جامه اصلاح به خود پوشید مثلاً زمانی گفته می‌شد که تجدیدنظرخواهی از آراء برخلاف شرع مقدس اسلام می‌باشد و از این رو در برهه‌ای از زمان، تجدیدنظرخواهی لغو شد اما پس از مدتی دوباره مشروعیت یافت. یا شورای نگهبان زمانی مرور زمان را مخالف موازین شرعی اعلام کرد اما

دیری نباید که مجدداً این نهاد سنتی و استوار، مورد تایید فقهای محترم شورای نگهبان قرار گرفت و... در هر حال تغییرات مزبور که در آینده هم ادامه خواهد داشت صرف نظر از معایب فراوانی که از نظر قضائی و ترزل در سیاست قضایی دارد راه را بر نویسندگان حقوقی نیز دشوار می‌سازد زیرا عمده مطالب نوشته‌های ایشان را شرح قوانین و مقررات موجود تشکیل می‌دهد و تغییر این قوانین و مقررات سبب می‌شود که نوشته‌های شارحان نیز جنبه موقتی پیدا کند و در نتیجه میل ایشان به تدوین کتب حقوقی کاهش یابد. اما از طرف دیگر روح تشنه دانش‌پژوهان و نیاز جامعه حقوقی، این بی‌میلی را کمرنگ می‌سازد و مشوق مؤلفان به تدوین کتب حقوقی می‌شود. کتابی که در پیش روی دارید با نام «اصول آیین دادرسی کیفری ایران» در مقام جمع میان دو پدیده فوق به رشته تحریر درآمده است و اصول ثابت آیین دادرسی کیفری را مورد مطالعه قرار می‌دهد یعنی اصول و قواعدی که معمولاً بر اثر تغییر قوانین همچنان ثابت و استوار باقی می‌مانند و قانون‌گذار هم در اصلاح قوانین باید به این اصول توجه داشته و آنها را رعایت کند. بنابراین تغییر قوانین اثر زیادی بر تغییر مطالب نخواهد داشت. ماده یک قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، آیین دادرسی کیفری را چنین تعریف کرده است: «آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رای، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه دیده و جامعه وضع می‌شود.» در این تعریف میان قواعد و مقررات تفکیک شده است هر چند تعریف مشخصی برای این دو واژه وجود ندارد اما معمولاً «اصول» یا «قواعد» به قواعد ثابت و استواری گفته می‌شود که پایه‌های اساسی آیین دادرسی را تشکیل می‌دهند، مانند اصل رعایت حقوق دفاعی متهم، اصل تسریع در دادرسی، اصل علنی بودن محاکمات و... اما «مقررات» به قواعد و احکامی گفته می‌شود که بر حسب زمان و در سیستمهای مختلف دادرسی، دچار تغییر و تحول می‌گردد، مانند تشکیلات دادگاههای کیفری، صلاحیت دادگاهها و... آنچه که در اینجا مورد نظر ماست همان قواعد دسته نخست می‌باشد یعنی قواعدی کلی و اساسی که معمولاً ثابت هستند و در تغییرات قوانین و مقررات دچار تغییر اساسی نمی‌شوند که البته این بدان معنا نیست که اصول مورد نظر به هیچ وجه قابل تغییر نیستند و نیز این اصول در آیین دادرسی کیفری کشورهای مختلف، ممکن است متفاوت باشند. مثلاً در آیین دادرسی کیفری سابق اصل بر آن بود که آرای دادگاهها غیر قابل تجدیدنظر باشد اما در قانون جدید، اصل بر قابل تجدیدنظر بودن آرای دادگاهها می‌باشد. بدون شک استحصال اصول آیین دادرسی کیفری و تاکید بر آنها تأثیر فراوانی بر تحقق روند

یک دادرسی کیفری عادلانه خواهد داشت و کسانی که در ایجاد دادرسی کیفری نقش دارند به خصوص قضات و وکلا و ضابطان دادگستری، جهت فعالیت خود را بر مبنای همین اصول قرار می‌دهند. مقررات را تشریفات دادرسی نیز می‌نامند یعنی احکامی که برای دادرسی سریع‌تر و بهتر به تناسب هر زمان و مکان وضع می‌گردد و احتمال تغییر آنها زیاد است. اما قواعد و اصول، مبانی کلی دادرسی هستند که به ندرت تغییر می‌کند زیرا با حقوق دفاعی و حقوق اساسی مردم و نیز عدالت کیفری ارتباط دارد.

در این نوشتار گرچه تلاش می‌کنیم تا فلسفه هر اصل را بررسی کرده و راه برای هماهنگ کردن اقدامات عملی با این مبانی و فلسفه‌ها هموار شود اما از آنجا که قانون آیین دادرسی کیفری یک قانون شکلی است که جنبه کاربردی آن بر جنبه تئوری برتری دارد بنابراین سعی شده است اصول آیین دادرسی کیفری با قوانین و مقررات موجود و از جمله قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز تطبیق داده شود تا قابل استفاده برای همگان به خصوص قضات، وکلا، کارآموزان قضاوت، وکالت و سردفتری و دانشجویان محترم قرار گیرد.

عباس زراعت

دانشگاه کاشان - زمستان ۱۳۹۴